

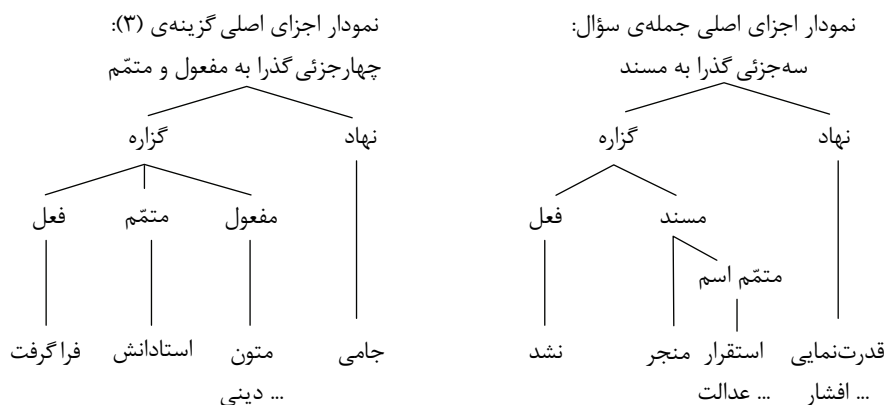


سراسری تجربی ۸۸

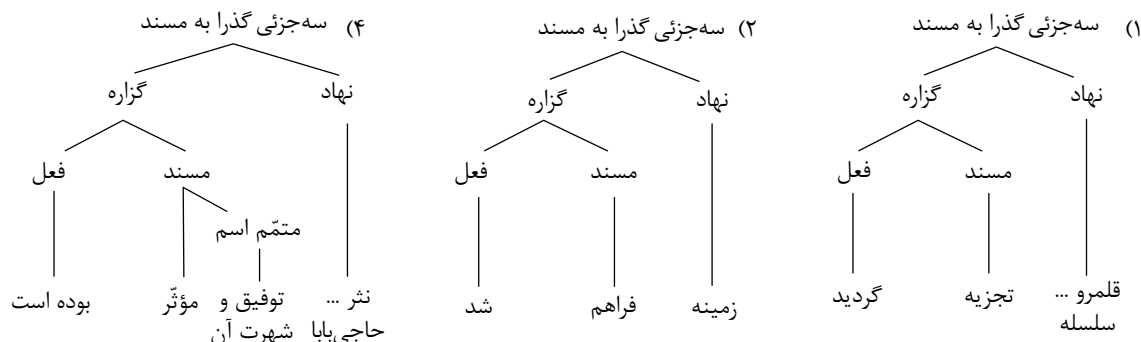
زبان و ادبیات فارسی

- ۱- (۴) **معنی درست واژه‌ها:** ادبار: پشت کردن، بدبختی (تدبیر: چاره‌اندیشی) / افکار: آزرده، زخمی، مجروح، خسته / ترگ: کلاه‌خود / حرز: بازوبند، تعویذ، دعایی که بر کاغذ نویسند و با خود دارند (پرهیز: دوری جستن)
- ۲- (۳) **معنی درست واژه‌ها:** تلبیس: نیرنگ، پنهان کردن حقیقت (لباس: پوشش) / فشار: سخن بیهوده (فشار آوردن: سخت‌گیری) / رباط: کاروان‌سرا / قاش: کوهی زین، قاج، برجستگی جلوی زین اسب که از چوب، شاخ یا فلز می‌سازند، قبه‌ی پیش زین
- ۳- (۲) **معنی درست واژه‌ها:** زندیق: ملحد، دهری، بی‌دین / پای‌مردی: خواهش‌گری، میانجی‌گری، شفاعت / تَهَجُّد: شب‌بیداری، شب‌زنده‌داری / تَصَرُّع: زاری کردن، التماس کردن
- ۴- (۲) **املائی درست واژه‌ها:** بیزاری (براعت: برتری) / اقربا: جمع قریب، نزدیکان
- معنی متن:** «طولی نکشید که به کوچکی (بی‌ارزشی) و کم‌مرتبتگی خود در دل آنان پی بردم و ارج و احترام و بزرگداشت [که میانمان] مرسوم [بود]. بسیار کاهش یافت و دشمنی و زورگویی‌های بی‌مورد پیش آمد و از پیروی من سرپیچی کردند و با دوری جستن و نفرت [از من] به نکوهش و سرزنش پرداختند؛ بنابراین (سپس) با خود گفتم نشان دادن دوستی و حُسن نیت، بدون پول امکان‌پذیر نیست و کسی که پول ندارد، در نظر اطرافیان و نزدیکان و [حتی] زیردستان خود، بی‌ارزش می‌شود.»
- نکات سایر واژه‌ها:** منزلت: مرتبه، درجه، مقام (منزل: مسکن) / معهود: عهد شده، چیزی که بر سر آن پیمان بسته‌اند. / متابعت: تبعیت، پیروی، مطاوعت، اطاعت / برائت: بیزاری، نفرت (براعت: برتری) / اقران: جمع قریب، نزدیکان، هم‌نشینان / اقربا: جمع قریب، نزدیکان، خویشاوندان / خوار: پست، ذلیل، حقیر، بی‌ارزش (خار: تیغ)
- ۵- (۲) **املائی درست واژه‌ها:** از بهر: برای، به خاطر / نعمات: جمع نغمه، آواها / غمز: سخن چینی (غمّاز: سخن چین / غمزه: اشاره با چشم و ابرو از روی ناز)
- معنی متن:** «مورچه‌ای ناتوان زیر درختی لانه کرده و منزل و پناهگاهی موقت فراهم نموده بود. بلبل به پرواز درآمد و آواهای دل‌فریب (دل‌نشین) می‌خواند. مورچه [تمام] شب و روز به جمع‌آوری روزی سرگرم بود و بلبل در فضای سرسبز بوستان به سرودخوانی خود مغرور شده بود. نسیم صبحگاهی در این میان، دل‌ربایی (یا: سخن چینی) می‌کرد. هنگامی که فصل پاییز فرارسید، خار[ها] جای گل[ها] را گرفت [ند] و زاغ، در منزلگاه بلبل فرود آمد (جایگاه بلبل را اشغال کرد). از توری ابر، مروارید فرومی‌ریخت و از غربال آسمان، کافور ساییده می‌شد.»
- نکات سایر واژه‌ها:** از بهر: از برای، بهر، برای (بهر: بهره، قسمت، نصیب / بحر: دریا) / نفقات: جمع نفقه، هزینه‌های زندگی / خار: تیغ (خوار: پست، فرومایه، ذلیل)

۶- (۳)



بررسی سایر گزینه‌ها:



دقت کنیم! فعل در گزینه‌ی (۱) (تجزیه گردید) در حقیقت، صورت مجهول فعل مرکب «تجزیه کردن» است و نباید آن را تشکیل شده از مسند (تجزیه) و فعل اسنادی (گردید) تصوّر کنیم. اما پیشینه‌ی سؤال‌اتی از این دست و نمونه‌های بسیار اشتباهات طراحان در تشخیص فعل مجهول، نشان می‌دهد در سؤالات آزمون‌های سراسری همواره باید واژه‌ای را که در کنار فعل‌های «شدن» یا «گردیدن» قرار می‌گیرد، مسند به‌شمار بیاوریم.

گروه بدلی: این تنها پرنده‌ی نامرئی

۷- (۳)

واج‌ها: ا / ی / ان / ات / ے / ان / ه / ا / پ / ے / ار / ے / ان / د / ے / ی / ے / ان / م / ے / ار / ے / ی (۲۴ واج)

واژه‌های مشتق: زمینه (زمین + ه) / استادانه (استاد + انه) / توانا (توان + ا) [۳ واژه]

۸- (۴)

واژه‌های مرکب: خیال‌انگیز (خیال + انگیز) / شاهنامه (شاه + نامه) / سخن‌سرا (سخن + سرا) / حماسه‌پرداز (حماسه + پرداز) / زبردست (زبر + دست) / تشبیه‌آفرین (تشبیه + آفرین) [۶ واژه]

تکواژها در عبارت سؤال: تحمید / یت / در / لغت / به / معنا / [ی] / ے / حمد / و / ستا / [ی] / ے / ش / گفت / ے / ن / است / Ø (۱۵ تکواژ)

۹- (۱)

تکواژها در گزینه‌ی (۱): عرفان / ے / اسلام / ی / مولود / ے / تعلیم / ات / ے / قرآن / و / پیام / بر / است / Ø (۱۵ تکواژ)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) در / تاریخ / ے / تفکر / ے / بشر / ی / سر / چشم / ه / ها / [ی] / ے / عرفان / ی / یافت / می / شو / ے / د (۱۸ تکواژ)

(۳) کلام / ے / عارف / ان / رنگ / و / جلوه / [ا] ی / دیگر / دار / ے / د / و / عشق / به / معبود / است / Ø (۱۷ تکواژ)

(۴) در / تحمید / یت / ه / ها / [ی] / ے / زبان / ے / فارس / ی / نوع / ی / براعت / ے / استهلال / دید / ه / می / شو / ے / د (۱۹ تکواژ)

ترکیب‌های وصفی: دوره‌ی اسلامی / همان قرن‌ها / قرن‌های نخستین / قرن‌های هجری / ترجمه‌ی عربی / آثار معتبر / متون عربی / این رسم / قرن‌های بعد (۹ ترکیب)

۱۰- (۲)

ترکیب‌های اضافی: ترجمه‌ی آثار / آثار یونان / [مورد استفاده] / استفاده‌ی ایرانیان / تفاسیر قرآن / رسم ترجمه (۶ ترکیب)
دقت کنیم! ظاهراً طراح محترم سؤال، «مورد استفاده» را نیز ترکیب اضافی به‌شمار آورده‌اند!

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱۱- (۱)

(۲) تهران مخوف: اثر مشفق کاظمی و اولین رمان اجتماعی‌ست که در آن به وضع تحقیرآمیز زنان در جامعه‌ی ایران پرداخته شده است.

(۳) مجمع دیوانگان: از عبدالحسین صنعتی‌زاده است و به اولین «اتوپیا» (آرمان‌شهر) ادبیات معاصر ایران معروف شده.

(۴) ورق‌پاره‌های زندان: بزرگ علوی (آثار دیگر: گیلهمرد، چشم‌هایش، چمدان، میرزا، سالاری‌ها)

داستان گاو، داستان برگزیده‌ای‌ست از کتاب عزاداران بیل که به قلم گوهر مراد (غلامحسین ساعدی) نگارش یافته.

۱۲- (۱)

بررسی سایر گزینه‌ها: کتاب‌های نام‌برده در سه گزینه‌ی دیگر نیز از غلامحسین ساعدی‌ست.

شعله‌های نبوغ: لوول تامس / بزرگ رودی دو دل: ارنست همینگوی / آرزوهای بزرگ: چارلز دیکنز (آثار دیگر: دیوید کاپرفیلد، داستان دو شهر) / خانه‌ی اموات: داستایوسکی (آثار دیگر: برادران کارامازوف، ابله، دهکده‌ی استپانچکوف)

۱۳- (۴)

کنایه: «بر در خانه بودن» می‌تواند کنایه از «بسیار خواستار چیزی بودن» باشد. / جناس (ناقص): من، مه / بر، بری / تکرار: ای، من؛ «منم» نیز اگرچه در دو مصراع ساختار متفاوت دارد، دارای تکرار لفظی‌ست. / استعاره: «مه» و «مشتی»، هر دو استعاره از معشوق

۱۴- (۲)

گهر: استعاره از سخنان ارزشمند / حق‌ی لعل: استعاره از دهان / شکر: استعاره از لب‌ها / مروارید: استعاره از دندان‌ها (۴ استعاره)

۱۵- (۴)

آرایه‌ی استعاره در سایر گزینه‌ها:

(۱) نقاش: استعاره از آفریدگار / لعل: استعاره از لب (۲ استعاره) (۲) شکر: استعاره از سخنان دل‌پذیر / دُر: استعاره از اشک (۲ استعاره)

(۳) لعل: استعاره از لب / قند: استعاره از بوسه / دُر: استعاره از سخنان گران‌بها (۳ استعاره)

«شکرآب» در این گزینه، استعاره از «شیرین‌سخن» است؛ هرچند، «شکر» را هم می‌توان استعاره از سخن یا بوسه دانست؛ به هر حال، در گزینه‌ی (۴)، چهار استعاره‌ی آشکار وجود دارد و به همین دلیل از گزینه‌ی (۳) مناسب‌تر است.



۱۶- (۳)

کنایه: «از سر گذشتن» کنایه از «از حد تحمّل، فراتر بودن» / «گل به سر زدن» کنایه از «بهره بردن، فایده بردن»

مجاز: فصل «گل» مجازاً به معنی فصل بهار

تشبیه: اشکِ گلگون (اشک [- خونین] مانند گل (وجه شبه: سرخی)) / بستان / عشق (اضافه‌ی تشبیه‌ی)؛ (وجه شبه: دل‌پذیری)

اغراق: این‌که اشک به اندازه‌ای زیاد باشد که مخاطب را غرق کند و از سر او هم بگذرد.

۱۷- (۴)

مفهوم گزینه‌ی (۴): عشق موجب تشویش و بی‌قراری‌ست. / مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ترجیح معشوق بر لذت‌های بهشتی

۱۸- (۱)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۱): یاد خداوند موجب عزّت و آسایش است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) غم عشق خارج از حدّ طاقت و تحمّل است. (۳) تقابل عشق با عقل و صبر

(۴) اظهار اندوه از بدکاری و تیره‌بختی

۱۹- (۴)

بررسی مرجع ضمیر دوم‌شخص مفرد (تو / ت) در ابیات:

(الف) مه طاسک گردن سمندت (= سمنند پیامبر اسلام) / شب طره‌ی پرچم سیاهت (= پرچم سیاه پیامبر اسلام)

(ب) همه از بهر تو (= آدمی‌زاد) سرگشته و فرمان‌بردار / شرط انصاف نباشد که تو (= آدمی‌زاد) فرمان‌نبری

(ج) مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر / ما هم‌چنان در اوّل وصف تو (= خداوند) مانده‌ایم

(د) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو (= پیامبر اسلام) پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

۲۰- (۲)

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): سربلندی و خوش‌بختی حقیقی در گرو لطف و توجّه معشوق است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دعوت به عاشقی (۳) توجّه مطلق به معشوق و بی‌توجهی به هرچیز جز او

(۴) یادِ یار موجب افتخار و سربلندی‌ست.

۲۱- (۴)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۴): کشش به سوی عالم معنا / عشق موجب کمال است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) عاشق واقعی نایاب است. (۲) اظهار خاکساری و فروتنی در برابر معشوق

(۳) دعوت به راستی و اخلاص

۲۲- (۲)

مفهوم گزینه‌ی (۲): شکوه از بی‌وفایی و جفای یار

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: بلاکشی عاشق

مفهوم گزینه‌ی (۱): ظاهر، معرف باطن است.

۲۳- (۱)

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: نفی ظاهرپرستی و دعوت به حقیقت‌جویی

مفهوم گزینه‌ی (۳): دروغ موجب نقصان (کمبود) است. / مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: نیک‌نامی پس از مرگ

۲۴- (۳)

مفهوم گزینه‌ی (۳): لزوم ترحم بر ناتوانان

زبان عربی

۲۶- (۳)

کلمات کلیدی: قد أثبتت / الاكتشافات الحديثة / كلّاً من الألوان

مقایسه‌ی کلیدها در گزینه‌ها:

«قَدْ أَثْبَتْتُ الْاكتشافاتُ الْحَدِيثَةُ: اکتشافات جدید ثابت کرده است». فعل ماضی معلوم و فعل متعدی است. [رد سایر گزینه‌ها]

«كُلًّا مِنَ الْأَلْوَانِ: هریک از رنگ‌ها» کُلّ + مِنْ + اسم ← هریک از ... [رد سایر گزینه‌ها]

۲۷- (۲)

کلمات کلیدی: يجب أن لائنسى / تضحيات / بالنا

مقایسه‌ی کلیدها در گزینه‌ها: «يَجِبُ أَنْ لَا تَنْتَسَى: نباید فراموش کنیم»؛ فعل «نَنْتَسَى» مضارع منصوب و صیغه‌ی متکلم مع‌الغیر است. [رد

گزینه‌های (۱) و (۳)]

«تضحيات: فداکاری‌ها» جمع مؤنث سالم است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

کلمه‌ی «بال» در ترکیب اضافی «بالنا: فکر ما، ذهن ما» مفرد است و جمع نیست. [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

«أَنْ نَحَافِظَ: حفظ کنیم» متکلم مع‌الغیر است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

دلائل رد دیگر گزینه‌ها:

(۱) - ۲۸

۲) «مُطْمَئِنِّينَ» حال مفرد به معنای «با اطمینان» است و فعل نیست.

۳) معادل کلمه‌ی «فقط» در عبارت عربی ذکر نشده است. ۴) معادل کلمه‌ی «به آن» در عبارت عربی ذکر نشده است.

(۳) - ۲۹

ترجمه‌ی صحیح عبارت: «انسان از این بیماری رنج می‌برد تا زمانی‌که بر پزشکان ناشناخته باشد»؛ «بیماری انسان» معادل «هذا المرض» نیست.

(۴) - ۳۰

ترجمه‌ی صحیح عبارت: «و بعد از آن راهی را انتخاب کن که تو را به هدف نزدیک می‌کند»؛ «اِنتَخِبْ» فعل امر است و آینده (مستقبل) نیست.

(۴) - ۳۱

«هرگاه کسی را دیدار کنی که او را دوست داری، دنیا را رها کن و آن را به حال خویش واگذار»، این عبارت بیان‌گر «جمع نشدن دوستی خدا و دوستی دنیا» است.

(۲) - ۳۲

«دوستانم: اصدقائی، صدیقائی» یک ترکیب اضافی است. دقت کنید اسم مضاف «أصدقاء، صدیقات»، ال و تنوین نمی‌گیرد. [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]

«عادت کرده‌اند: تَعَوَّدَنَّ» ماضی نقلی و غایب است. [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]

ضمناً در سایر گزینه‌ها به صورت مخاطب آمده‌اند و نادرست هستند؛ معادل «شب امتحان»، «ليلة الامتحان» است. [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]

(۴) - ۳۳

«کلید» به «گنج» و «گنج» به «فرهنگ» اضافه شده است پس «کلید» و «گنج» مضاف هستند و در تعریف، «ال» نمی‌گیرند. [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]. «فرهنگ» به صورت «الثقافة» تعریف می‌شود و چون مؤنث است پس «اسلامی» نیز به عنوان صفتش باید مؤنث باشد پس «فرهنگ اسلامی» به صورت «الثقافة الإسلامية» تعریف می‌شود. [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]

در تعریف «گنج» لام جر نیز به آن متصل نمی‌شود چون در این صورت «کلید» به صورت نکره ترجمه می‌شود. اگر به ترکیب «مفتاح لکنز» در گزینه‌ی (۲) توجه کنید درمی‌یابید که به صورت «کلیدی برای گنج» ترجمه می‌شود پس به همین علت اشتباه است. در ضمن ضمیر «آن» به «اللغة: زبان» برمی‌گردد و چون «اللغة: زبان» مؤنث است، آن هم باید به صورت مؤنث (ها) تعریف شود. ضمیر در «می‌یادش» نیز به «گنج: کنز» برمی‌گردد و چون «کنز» مذکر است آن هم باید به صورت مذکر (ه) تعریف می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

ترجمه‌ی درک مطلب:

المحاكاة (التقليد) إحدى وسائل التعرف على أشياء جديدة. (تقليد یکی از وسایل شناخت چیزهای جدید است) و لعل أقدم فكرة خطرت (و شاید قدیمی‌ترین فکری که خطور می‌کند) ببال الإنسان عن طريق التقليد (به ذهن انسان از طریق تقلید) هي تلك الفكرة التي (همان فکری است که) خطرت ببال «قابيل» (به ذهن قابیل راه یافت) عندما قصد إخفاء جسد أخيه المقتول، (زمانی که قصد مخفی کردن جسد برادر کشته شده‌اش داشت)، لکنه كان متحيراً في أمره! (ولی او در کارش متحیر و سرگردان بود) فحينئذ رأى طائرین (پس در این هنگام دو پرنده را دید) أحدهما يقتل الآخر (که یکی از آن دو دیگری را می‌کشد) ثم يحفر الأرض بمنقاره (سپس با منقارش زمین را می‌کند) فيجعلها تحت التراب! (و آن را زیر خاک قرار می‌دهد) و للمحاكاة دور كبير (و تقلید نقش بزرگی دارد) في إنتاج التكنولوجيا الحديثة؛ (در تولید تکنولوژی جدید) ففكرة الطائرة مثلاً (مثلاً فکر پرواز) جاءت إلى ذهن «عباس بن فرناس» (به ذهن «عباس بن فرناس» خطور کرد) من مواليد الأندلس في القرن التاسع (از متولدین اندلس در قرن هفتم) بتقليد طيران الطيور! (با تقلید از پرواز پرندگان)

معنای کلمات این متن:

۱- المحاكاة: تقلید	۲- التعرف: شناخت	۳- أقدم: قدیمی‌ترین	۴- بال: ذهن
۵- إخفاء: مخفی کردن	۶- متحير: شگفت‌زده، سرگردان	۷- يحفر: می‌کند، حفر می‌کند	۸- التراب: خاک
۹- دور: نقش	۱۰- مواليد (ج مولود): متولدین	۱۱- طيران: پرواز	۱۲- الشعور: احساس
۱۳- مخاصمة (المتراذف): نزاع؛ دشمنی، درگیری	۱۴- البئر: چاه	۱۵- تحسين: بهبود	۱۶- نظر الاعتبار: به دیده‌ی عبرت
۱۷- التعلم: یادگیری	۱۸- الطائرة: هواپیما	۱۹- عقلية: ذهنیت	

(۳) - ۳۴

«علت سرگردانی «قابیل» ... بود»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱) کشتن برادرش و پیروزی‌اش بر او! ۲) عدم توانایی‌اش در تقلید از پرندگان!

۳) نداشتن علم به چگونگی دفن برادرش! ۴) مشاهده‌ی قدرت حیوانات و احساس ضعف در خود!

توضیح: در متن آمده است زمانی که قابیل قصد مخفی کردن جسد برادرش را داشت در کار خود سرگردان بود زیرا چگونگی دفن کردن برادرش را نمی‌دانست.



«قابیل در پایان دعوا و نزاع دو پرنده چه چیزی را آموخت؟: آموخت کیفیت ...»

(۳) - ۳۵

ترجمه‌ی دیگر گزینه‌ها:

(۱) حفر چاه (۲) دعوا و دشمنی (۴) پنهان کردن نیت‌ها

توضیح: با توجه به متن مناسب‌ترین گزینه همان گزینه‌ی (۳) است، یعنی «دفن مردگان» را آموخت.

کدام گزینه اشتباه است:

(۳) - ۳۶

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) انسان از طبیعت برای بهبود معیشت خویش استفاده می‌کند. (۲) حیوانات قدرت‌هایی دارند که انسان می‌تواند از آن‌ها یاد بگیرد.

(۳) تبادل میان انسان و طبیعت در تقلید، امری شایع است. (۴) انسان باید به دنیا و آن‌چه در آن است به دیده‌ی عبرت بنگرد.

توضیح: انسان از طبیعت تقلید می‌کند نه طبیعت از انسان.

متن دلالت می‌کند بر این‌که ...

(۴) - ۳۷

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) غربی‌ها هواپیما را اختراع کرده‌اند. (۲) انسان هم‌چون حیوانات قادر بر دفن مردگانش نمی‌باشد.

(۳) تقلید، قوه‌ی عقلی انسان و توانایی‌هایش را نابود می‌کند. (۴) انسان قدرت فراگیری دارد حتی از حیوانات.

حرکت‌گذاری کامل عبارت: «هِيَ تِلْكَ الْفِكْرَةُ الَّتِي خَطَرَتْ بِبَالٍ قَائِلٌ عِنْدَمَا قَصَدَ إِخْفَاءَ جَسَدِ أَخِيهِ الْمَقْتُولِ».

(۱) - ۳۸

مضاف‌الیه و مفعول با اعراب فرعی فته مضاف‌الیه و مفعول با اعراب فرعی «یا» و ضمیر «ه» مضاف‌الیه و مفعول مملأ

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

(۲) الْفِكْرَةُ ← الْفِكْرَةُ (عطف بیان و مرفوع به تبعیت از «تلك» و «تلك» خبر مفرد و مرفوع است.) / بَالٍ ← بَالٍ (اسم مضاف تنوین نمی‌گیرد.)

(۳) الْفِكْرَةُ ← الْفِكْرَةُ / إِخْفَاءَ ← إِخْفَاءَ (مفعول به و منصوب)

(۴) جَسَدٌ ← جَسَدِ (مضاف‌الیه و مجرور) / الْمَقْتُولُ ← الْمَقْتُولِ (صفت و مجرور به تبعیت از موصوف «أَخِي» که مضاف‌الیه «ه» میان آن دو

آمده است.)

حرکت‌گذاری کامل عبارت: «رَأَى طَائِرَيْنِ أَحَدَهُمَا يَقْتُلُ الْآخَرَ ثُمَّ يَحْفِرُ الْأَرْضَ بِمِنْقَارِهِ فَيَجْعَلُهُ تَحْتَ التُّرَابِ».

(۲) - ۳۹

مفعول به و منصوب با اعراب فرعی «یا» مبتدا و مرفوع قُبر و مرفوع مملأ مفعول به و منصوب

جمله‌ی وصفیه و مملأ منصوب

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

(۱) يَحْفِرُ ← يَحْفِرُ (فعل مضارع معلوم) / يَجْعَلُهُ ← يَجْعَلُهُ (فعل مضارع معلوم)

(۳) طَائِرَيْنِ ← طَائِرَيْنِ (نون مثنی مکسور است) / يَحْفِرُ ← يَحْفِرُ (مضارع معلوم بر وزن «يَفْعُلُ»)

(۴) أَحَدٌ ← أَحَدٌ (مبتدا و مرفوع) / الْآخَرَ ← الْآخَرَ (مفعول به و منصوب) / مِنْقَارٌ ← مِنْقَارٍ (مجرور به حرف جرّ)

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

(۲) - ۴۰

(۱) فاعله «أحد» ← فاعله «هُوَ» الضمير المستتر

(۳) مبني للمجهول ← مبني للمعلوم / نائب فاعله «طَائِرَيْنِ» ← فاعله ضمير «هو» المستتر

(۴) أجوف ← ناقص / لازم ← متعدّد

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

(۲) - ۴۱

(۱) لازم ← متعدّد / مبني ← معرب

(۳) مزید ثلاثی من باب إفعال ← مجرّد ثلاثی / فعل منصوب بالتبعیة لفعل «يحفّر» ← فعل مرفوع بالإعراب الأصلي

(۴) مبني للمجهول ← مبني للمعلوم / مبني على الصّمْ ← معرب و مرفوع بالإعراب الأصلي / فاعله ضمير «ه» البارز ← فاعله ضمير «هو» المستتر

دلایل رد دیگر گزینه‌ها:

(۱) - ۴۲

(۲) اسم مفعول ← اسم فاعل من باب «تفعّل» / مقصور ← صحيح الآخر / حال ← خبر لفعل ناقصة «كان» و منصوب

(۳) صفة مشبهة (مصدره: حيرة) ← اسم فاعل (مصدره: تحيّر)

(۴) ممنوع من الصرف ← منصرف / خبر و منصوب ← خبر «كان» و منصوب

دَهَبَتْ: صحيح و سالم / أَعْلَنُ: صحيح و سالم؛ فعل‌های معتل سایر گزینه‌ها عبارتست از:

(۴) - ۴۳

(۱) نَسُوا: «نَسِيَ» (ناقص) / يَدْعُونِي: «دعو» (ناقص) (۲) لِأَصِلَ: «وصل» (مثال) (۳) واصلت: «وصل» (مثال)

۴۴- (۴) أَجْعَلْ: فعل و فاعلش ضمیر مستتر «أنا» / عَزَّةٌ: مفعول به و منصوب است؛ برای تبدیل جمله‌ی معلوم به جمله‌ی مجهول باید فاعل جمله حذف شود و فعل مجهول به مفعول جمله یعنی «عَزَّة» نسبت داده شود، پس باید فعل مجهول به صیغه‌ی «لِلغائبة» تبدیل شود:

أَجْعَلْ عَزَّتِي فِي الصَّدَقِ ← تُجْعَلْ عَزَّتِي فِي الصَّدَقِ. (عَزَّت من در راستی قرار داده می‌شود.)

۴۵- (۲) عِنْدَ: مفعول فيه «ظرف زمان» و منصوب، ولی «وَقْتُ» فاعل و مرفوع؛ و «العشاء» مضاف‌الیه و مجرور است.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

(۱) بَيْنَ: مجرور به حرف جرّ

(۳) هذه: فاعل و محلاً مرفوع / الأَيَّامُ: مرفوع به تبعیت / أيضاً: مفعول مطلق / نِهَایةً: مجرور به حرف جرّ

(۴) صباحٍ: مجرور به حرف جرّ / أَلْيَوْمَ: مضاف‌إلیه و مجرور / التَّالِي: صفت و مجرور به اعراب تقدیری

در این گزینه صفت وجود ندارد و «فَرَحِين» خبر «كان» است.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

(۱) يَوْمًا: منعت (اسم نکره) / يَنْزِلُ المطر فيه: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب

(۲) کرّةً: منعت / مملوءة: نعت مفرد و منصوب

(۳) شجرةً: منعت / كانت في الشارع: جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور

۴۷- (۱) قراءةً: مفعول مطلق نوعی است زیرا «تَوَثَّرَ فِي الْقَلْبِ» جمله‌ی وصفیه است، هرگاه مفعول مطلق با صفت یا مضاف‌الیه بیاید به آن مفعول مطلق نوعی گویند.

در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق نوعی نیامده است:

(۲) جدّاً (۳) انتصاراً (۴) حقّاً

۴۸- (۴) عبارت به حال نیاز دارد که باید کلمه‌ای مشتق، نکره و منصوب باشد و تنها گزینه‌ای که با اعراب فرعی «ياء» منصوب است همین گزینه‌ی (۴) است. «ما دانش‌آموزان‌مان را تعلیم می‌دهیم در حالی که در دانش‌ها تحقیق و پژوهش می‌کنند.»

مستثنی‌منه محذوف است و می‌توانیم آن را «أشخاص» در نظر بگیریم.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

(۲) «الراکبون» مستثنی‌منه و «اثنین» مستثنی است. (۳) «الألوان» مستثنی‌منه و «اللون» مستثنی است.

(۴) «سؤالات» مستثنی‌منه و «ما» مستثنی است.

۵۰- (۲) «محمود» منادای علم است و مبنی بر ضم می‌باشد، پس به صورت «یا محمود» صحیح است.

فرهنگ و معارف اسلامی

۵۱- (۱) شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌ها و موجودات بزرگ و کوچک جهان که آن‌ها را به یک نظام تبدیل می‌کند و مانند روح در همه‌ی اجزا و فعالیت‌های

آن مجموعه حضور دارد و به آن معنی می‌بخشد، «هدف و غایت» است که با دقت در آیه‌ی «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا خَدَاوْنًا! این را بی‌هوده نیافریده‌ای» مفهوم می‌گردد. «باطل» به معنای عدم وجود شاخصه‌ی هدف‌مندی است؛ عبارت «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» یعنی جهان عبث، بی‌هوده و در یک کلام باطل نیست بلکه مجموعه‌ی فعالیت‌های آن، ثمربخش، هدفمند و حق است.

۵۲- (۳) قوه و نیرویی که خداوند به ما عنایت کرده تا به کمک آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم، حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم همان قوه‌ی تعقل است که آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷ سوره‌ی زمر: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، پس بندگان مرا مژده ده آنان که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند.» در ارتباط با آن می‌باشد.

۵۳- (۱) قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد بر پایه‌ی پذیرش «من» ثابت بنا شده‌اند. بعد روحانی انسان تغییرپذیر است، ولی تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی‌شود.

۵۴- (۲) همه‌ی آیات به جز گزینه‌ی (۲) دلالت بر معاد جسمانی دارند. درحالی‌که گزینه‌ی (۲) اشاره به انسان‌هایی دارد که در عین توجه به معنویت و اخلاق، نعمت‌های دنیا را وسیله‌ای جهت رستگاری خود قرار می‌دهند که خداوند می‌فرماید روز قیامت خاص آنان می‌باشد.

۵۵- (۳) آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی زمر می‌فرماید: «زَمِينَ به نور پروردگارش روشن می‌شود و کتاب قرار داده می‌شود و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند و میان آنان به حق داوری می‌شود.» با توجه به عبارت «و اشرق الارض بنور ربّها»، با نوری از جانب پروردگار، زمین روشن می‌شود. با این نورانیت، پرده‌ها کنار می‌رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است، روشن می‌شود. عبارت «ظلمت‌ها برطرف می‌شود» نه در ترجمه‌ی آیه آمده و



نه در مفهوم آن. بنابراین گزینه‌های (۱) و (۲) که به این عبارت اشاره کرده‌اند، صحیح نمی‌باشد. منظور از عبارت «شهداء»، شاهدان دادگاه عدل الهی هستند و نه شهیدان. بنابراین گزینه‌های (۲) و (۴) که پیامبران و شهیدان آورده، صحیح نمی‌باشد. با توجه به عبارت «قضی بینهم بالحق» میان انسان‌ها به حق داوری می‌شود، بنابراین «میزان وجودی» که در گزینه‌های (۲) و (۴) آمده، صحیح نمی‌باشد.

۵۶- (۴)

در ابتدای آیه آمده است: «و سيق الّذين اتّقوا ربّهم إلى الجّنة زمراً» بنابراین «متقین» را گروه گروه به سوی بهشت می‌برند. در ادامه‌ی آیه نگهبانان بهشت به آنان می‌گویند: «سلامّ علیکم طبتم فادخلوها خالدين» و آنان نیز با مشاهده‌ی بهشت الهی می‌گویند: «و قالوا الحمد للّهِ الذی صدقنا وعده»

۵۷- (۲)

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند به داود (ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن‌هاست، علیه او توطئه کنند.» بنابراین، راه خنثی کردن همه‌ی توطئه‌ها، با نیت خالص به خدا پناه بردن است. پیامبر اکرم (ص) متوکلانی را که اهل کار و فعالیت نبودند، سربار دیگران معرفی کردند. بنابراین توکل وقتی معنا دارد که انسان مسئولیت و وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام دهد، زیرا توکل جانشین تنبلی و ندانم‌کاری افراد نیست. جوان برای این‌که ثابت کند وجودش برای جامعه مفید است، تلاش می‌کند که توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و آن‌ها را در معرض دید دیگران قرار دهد و جایگاه مناسب خود را در میان دیگران تثبیت کند. این اقدامات، ناشی از نیاز به توجه، تحسین دیگران و نیاز به مقبولیت و پذیرش است. ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست» حاکی از تناسب میان ظاهر و باطن است. چرا که ظاهر هرکس تجلی درون اوست و اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می‌سازند و شکل می‌دهند.

۵۹- (۲)

قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد که نعمت خدا را بر خود به یاد آورند: «و اذكروا نعمة الله علیکم»، آن نعمت را این‌گونه بیان می‌کند: «اذ كنتم اعداء فآلف بین قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً، آن‌گاه که شما دشمنان یک‌دیگر بودید، پس او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، تا به لطف او (با یک‌دیگر) برادر شدید.» بنابراین نعمت شایسته‌ی سپاس‌گزاری مؤمنان، نفی دشمنی دیرینه و برقراری اخوت اسلامی است.

۶۰- (۱)

با توجه به عبارت: «فمن اهتدی فلسفه و من ضلّ فآثمّا یضلّ علیها» چون هرکس مسئول هدایت یا ضلالت خود است و در انتخاب راه حق یا باطل مختار می‌باشد، خداوند به پیامبر می‌فرماید که رسالت تو در حد تبلیغ است و وکیل هدایت آن‌ها نیستی: «و ما أنت علیهم بوكیل»

۶۱- (۳)

پیامبران، با وجود مقام و منزلتی که دارند، انسان‌اند و کارهای خود را با اختیار انجام می‌دهند و با بهره‌مندی از الطاف الهی چنان مرتبه‌ای از ایمان و تقوا را دارند که هیچ‌گاه به سوی گناه نمی‌روند. همچنین از چنان بینش عمیقی برخوردارند که به خطا و اشتباه گرفتار نمی‌شوند.

۶۲- (۳)

مطابق آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی آل عمران: «قل اطيعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله لا یحب الکافرین، بگو خدا و رسولش را، اطاعت کنید پس اگر روی برتابند، همانا خداوند کافران را دوست ندارد.» ضرورت پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت از دلایل تشکیل حکومت اسلامی مفهوم می‌گردد.

۶۳- (۴)

وقتی آیه‌ی اولی الامر (با ایها الذین آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم) نازل شد، جابرین عبدالله انصاری از پیامبر خواست تا اولی الامر را معرفی کند، بنابراین آیه‌ی اولی الامر قبل از حدیث جابر بوده است و نیز پس از نزول آیه‌ی تبلیغ (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک)، پیامبر اکرم (ص) در راستای معرفی جانشین خود، حدیث غدیر (من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه) را بیان فرمودند.

۶۴- (۳)

پیامبر اکرم (ص) خطاب به حضرت علی (ع) فرمود: «کسی به فلاح می‌رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می‌رسد کسی که از تو دوری گزیند.» معنای آیه چنین است: «و محمد (ص) نیست، مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر بمیرد یا کشته شود، آیا شما به عقب برخواهید گشت؟ هرکس به عقب بازگردد، به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند و خدا سپاس‌گزاران را پاداش خواهد داد.» بر این اساس، سپاس‌گزاران واقعی نعمت رسول خدا کسانی‌اند که پس از رحلت ایشان، ثابت‌قدم ماندند و گرفتار تزلزل در اعتقاد و عمل نشدند یعنی به عقب برنگشتند.

۶۶- (۴)

تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت‌های خاص خود را دارد که باید بدان‌ها توجه کرد. از جمله این‌که هر تغییری نیازمند خواست اکثریت جامعه و پذیرش درونی افراد است. به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید تا گروه‌ها، اقوام و ملت‌ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد. موضوع اصلی آیه، عامل تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه است. به همین دلیل گزینه‌های (۱) و (۳) که مفهوم غلطی ندارند، موردنظر طراح نبوده‌اند. گزینه‌ی (۲) نیز اشتباه است؛ زیرا تصمیم الهی با تصمیم مردم، تغییر نمی‌یابد و تصمیمات خدا تابع تصمیمات انسان‌ها نیست.

۶۷- (۳)

زنده بودن امام زمان (عج)، مشخص بودن پدر و مادر آن حضرت و حضور ایشان در جامعه فوایدی دارد. یکی از آن‌ها این است که هر ماجراجوی فریب‌کاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به زودی شناخته می‌شود و مردم هوشیار فریب او را نمی‌خورند. بنابراین عدم تأثیر فریب‌کاری مدّعیان مهدویت در طول تاریخ، معلول حضور مهدی (عج) در جامعه و مشخص بودن پدر و مادر آن حضرت است. آنان که از شناخت آفریننده‌ی جهان درمانده‌اند و اداره‌کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

۶۸- (۴)

براساس آیهی شریفه‌ی «و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند و زنان مسلمان را به ازدواج مردان مشرک درنیاورید تا ایمان آورند.» شرط اصلی و اولی در انتخاب همسر، با ایمان بودن است و با توجه به عبارت: «اولئك يدعون الى النار و الله يدعو الى الجنة و المغفرة باذنه، آنان به آتش دعوت می‌کنند و خداوند به اذن خویش، به بهشت و آمرزش فرا می‌خواند.» همسری که مشرک باشد، اعضای خانواده را به نافرمانی از خدا و بدبختی ابدی سوق می‌دهد.

۶۹- (۴)

توحید در ربوبیت بدین معناست که تدبیر و پرورش همه‌ی موجودات به دست خداست. از این‌رو باغبانی که به پرورش درختان اقدام می‌کند، همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند به همین خاطر خداوند در قرآن فرموده: «افرايتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون، آیا به آن چه (در زمین) می‌کارید توجه کرده‌اید؟ آیا شما آن را زراعت می‌کنید؟ یا ماییم که زراعت می‌کنیم؟»

۷۰- (۲)

به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق‌تر بشناسیم، انگیزه‌ی ما برای عبودیت و بندگی نیز افزایش می‌یابد. دعوت قرآن کریم به تفکر و تعقل در آیات و نشانه‌های الهی به همین مقصود است. بنابراین هنگامی که انسان با تفکر در آیات و نشانه‌های الهی، جهان را تجلی خداوند ببیند، معرفت و بندگی او به خداوند، بیش‌تر می‌شود.

۷۱- (۲)

هر انسان انتخاب‌گری برای این‌که نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه‌ی آن چه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و ابتلاء است. سنت امداد الهی بدین‌گونه است که هرکس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود که در مسیری که در پیش گرفته، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند. هم‌چنین یکی از جلوه‌های توفیق الهی، نصرت و هدایت او به دنبال تلاش و مجاهدت است.

تذکر: سنت «املاء» از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناهکاران است.

۷۲- (۱)

پیامبر گرامی اسلام (ص) در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنه‌ی کوه صفا ایستاد و این‌گونه ندا سر داد: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، پیامبر در کنار دعوت به توحید، انسان‌ها را با حقیقت معاد آشنا ساخت و افق نگاه آن‌ها را از محدوده‌ی تنگ دنیا فراتر برد. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون»

۷۳- (۴)

خداوند در آیهی شریفه‌ی «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا اليها، و یکی از نشانه‌های او این است که همسرانی از خودتان برای شما آفرید تا با ایشان آرامش یابید.» می‌فرماید که زوج‌های شما از خود شما هستند نه موجودی بیگانه از شما. این امر بیان‌گر یکسانی مقام و منزلت انسانی زن و مرد (نه تساوی حقوق زن و مرد) است.

۷۴- (۱)

آیهی ۱۴۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «و این چنین شما را امتی میانه و اسوه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.» با دقت در معنای آیه و مفاهیم موجود در آن، می‌توان دریافت زمانی مسلمانان اسوه و الگو می‌باشند که: ۱- امتی میانه باشند و راه معتدل زندگی را به دیگر جامعه‌ها نشان دهند: «جعلناکم امةً وسطاً: مصونیت از افراط و تفریط» ۲- از پیامبر الگو گیرند: «يكون الرسول عليكم شهيداً: الگوگیری از پیامبر». از آن‌جا که رسول خدا (ص) بر مسلمانان شاهد و گواه می‌باشد، مسلمانان در صورتی می‌توانند شاهد بر جوامع دیگر باشند که از ایشان الگو گیرند.

۷۵- (۲)

حضور فعال در جهان و تأثیرگذاری بر آن با اقدامات فردی پراکنده میسر نیست. در قدم اول شایسته است بکوشیم دیگران را با خود همراه کنیم تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند. عبارت «ان تقوموا لله مثنی و فرادی، برای خدا قیام کنید دوبه‌دو و به تنهایی» به این مفهوم اشاره دارد. زمانی‌که انسان‌ها دوبه‌دو و به‌صورت جمعی برای خدا قیام کنند، همان مفهوم همراه کردن دیگران با خود تحقق می‌یابد.

زبان انگلیسی

۷۶- (۲)

پزشکی که دیروز کودک بیمار را معاینه کرد خیلی مسن بود.

توضیح: با توجه به این‌که اسم قبل از جای خالی (the doctor) فاعل فعل عبارت وصفی (examine) است، فعل یدار (examining) صحیح است.

بیشتر بدانید: در واقع، جمله‌واری وصفی ساختار معلوم داشته که قبل از کوتاه شدن (حذف ضمیر موصولی و فعل to be) و تبدیل به عبارت وصفی به صورت زیر بوده است:

The doctor who was examining the sick child was very old.

جمله‌واری وصفی

⇒ The doctor examining the sick child was very old.

عبارت وصفی

۷۷- (۳)

بیشتر دانش‌آموزان دارند سخت درس می‌خوانند تا خودشان را برای امتحانات آماده کنند.

توضیح: با توجه به این‌که بعد از جای خالی، شکل ساده‌ی فعل (prepare) آمده است، گزینه‌ی in order to صحیح است.



بیشتر بدانید: برای بیان قصد و منظور از انجام کاری از یکی از دو ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

- ۱) to / in order to / so as to + شکل ساده‌ی فعل
 ۲) so that + جمله

A: «به کدام قطار رسیدید؟» (۳) - ۷۸

B: «شاید به قطار ساعت یازده رسیده باشد.»

توضیح: ساختار "may / might have + pp" برای بیان احتمال انجام عملی در گذشته به کار می‌رود.

این کتاب حاوی اطلاعاتی درباره‌ی انواع گوناگون موضوعات است. (۱) - ۷۹

۱) تنوع، گوناگونی ۲) کارکرد، عملکرد ۳) مشاهده ۴) الگو
 دانشمندان تلاش می‌کنند تا متوجه شوند که چه زمانی زلزله رخ می‌دهد. "occur" (اتفاق افتادن، رخ دادن) به معنی "happen" می‌باشد. (۴) - ۸۰

۱) شامل ... بودن، گنجانیدن ۲) ادامه دادن ۳) تولید کردن ۴) اتفاق افتادن، رخ دادن
 حالا که ترم تمام شده، تمام دانشجویان به خاطر تعطیلات خیلی ذوق‌زده هستند. (۱) - ۸۱

۱) ذوق‌زده، هیجان‌زده ۲) روشن، درخشان ۳) عاطفی، احساسی ۴) در دسترس، موجود
 گروهی از افراد که مذهب، شغل و ... یکسانی دارند جامعه نامیده می‌شوند. (۴) - ۸۲

۱) واحد ۲) مبلغ (مذهبی) ۳) دولت ۴) جامعه، اجتماع
 چیزی که برای فردی خوب است می‌تواند برای فرد دیگری مخرب باشد. (۳) - ۸۳

۱) مصنوعی ۲) خانگی ۳) مخرب ۴) مالی
 باورم نمی‌شود که واقعاً قرار است رهبر را ببینم. (۲) - ۸۴

۱) به آرامی ۲) واقعاً ۳) با دقت ۴) به طور خلاصه
 او کارش را ترک کرد تا کار بهتری پیدا کند. (۲) - ۸۵

۱) جدا کردن ۲) [کار و غیره] ترک کردن، رها کردن

۳) دوست نداشتن، متنفر بودن از ۴) [شخصی] پیاده کردن، [کار و غیره] به تعویق انداختن

تقویم روشی است که مردم به وسیله‌ی آن، زمان را برای امور شخصی یا مذهبی خود اندازه می‌گیرند و آن را به سال، ماه، هفته و روز تقسیم می‌کنند. مردم عهد باستان، تقویم‌های اولیه را بر مبنای بارزترین رویدادهای منظمی که می‌شناختند قرار می‌دادند، (یعنی) حرکت خورشید و ماه که با هم سه نوع از ساده‌ترین تقسیمات زمان را پدید می‌آوردند. این‌ها روز، ماه قمری و سال شمسی هستند. ما اکنون می‌دانیم که حرکت منظم خورشید از این طرف به آن طرف آسمان، به دلیل گردش زمین است. یک روز مدت زمانی است که زمین در کمتر از ۲۴ ساعت دور محور خودش می‌چرخد. ماه قمری زمان بین دو ماه نو، یعنی حدود ۲۹/۵ روز است.

۱) جزئیات ۲) اثر، تأثیر ۳) جنبه ۴) رویداد (۴) - ۸۶

۱) افزایش دادن، افزایش یافتن ۲) شامل ... بودن، گنجانیدن ۳) تولید کردن، پدید آوردن ۴) بهبود بخشیدن (۳) - ۸۷

۱) منظم ۲) (مربوط به) صورت ۳) مشخص، قطعی ۴) فزاینده (۱) - ۸۸

پاسخ سازمان سنجش گزینه‌ی (۱) است. اما گزینه‌ی (۴) از نظر مفهوم منطقی، به گزینه‌ی (۱) ترجیح دارد. انتخاب گزینه‌ی (۱) جمله‌ای با (۴) - ۸۹

ساختار معلوم می‌سازد و انتخاب گزینه‌ی (۴) ساختار جمله را مجهول می‌کند. معنی جمله را در هر یک از دو حالت ببینید:

الف) انتخاب گزینه‌ی (۱): معنی جمله با ساختار معلوم: حرکت منظم خورشید در عرض آسمان، گردش زمین را موجب می‌شود.

ب) انتخاب گزینه‌ی (۴): معنی جمله با ساختار مجهول: حرکت منظم خورشید در عرض آسمان، به دلیل گردش زمین است.

در حقیقت به دلیل گردش زمین است که به نظر می‌رسد خورشید در طول روز در عرض آسمان حرکت می‌کند. بنابراین گزینه‌ی (۴) منطقی به نظر می‌رسد.

با توجه به این‌که اسم قبل از جای خالی (the time) مفعول فعلی عبارت وصفی (take) است، قسمت سوم فعل (taken) صحیح است. (۱) - ۹۰

بیشتر بدانید: در واقع، جمله‌واری وصفی ساختار مجهول داشته که قبل از کوتاه شدن (حذف ضمیر موصولی و فعل to be) و تبدیل به عبارت وصفی به صورت زیر بوده است:

The day is the time which is taken by the Earth to orbit on its axis.

جمله‌واری وصفی

⇒ The day is the time taken by the Earth to orbit on its axis.

عبارت وصفی

در همه‌ی جوامع، بخشی از جمعیت «پیر» خوانده می‌شود. آنچه از محلی به محل دیگر متفاوت است، سن پیر در نظر گرفته شدن افراد و نحوه‌ی نگرش به افراد مسن است. در جوامع صنعتی مدرن، سن پیری از ۶۵ یا ۷۰ سالگی شروع می‌شود؛ برعکس، در قرن نوزدهم سن پیری از ۵۵ سالگی شروع می‌شد. در بسیاری از کشورهای فقیر که متوسط عمر مردم بسیار پایین‌تر است، ممکن است فرد ۴۰ ساله نیز پیر باشد (محسوب شود). در برخی جوامع، افراد سالخورده عاقل و باتجربه محسوب می‌شوند و حتی ممکن است رهبران جامعه باشند. اما در جوامع غربی، گاهی اوقات افراد مسن نادیده گرفته می‌شوند. از افراد انتظار می‌رود با رسیدن به سن معینی بین ۶۰ تا ۷۰ سالگی از کار بازنشسته شوند، حتی اگر هنوز به طور مؤثری قادر به کار کردن باشند. ارتباط افراد مسن با اجتماع به تدریج گسسته می‌شود، و در بسیاری موارد در اجتماعی زندگی می‌کنند که کاملاً از سالخوردگان تشکیل شده است.

پیر شدن سریع جمعیت تمامی کشورهای صنعتی نه تنها ناشی از بیشتر عمر کردن افراد، بلکه به دلیل نزول شدید در میزان تولد نوزادان از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد است. زنان گرایش دارند بیشتر از مردان عمر کنند، به طوری که در سال ۱۹۸۵ به ازای هر ۱۰۰ نفر زن بالای ۷۰ سال، فقط ۶۳ مرد وجود داشت. این (نکته) نیز درست است که اعضای مرفه‌تر جامعه بتوانند انتظار داشته باشند نسبت به فقرا زندگی طولانی‌تری داشته باشند، چرا که آن‌ها عموماً تغذیه‌ی بهتر و مراقبت‌های پزشکی برتری دارند.

۹۱- (۱)

طبق متن

(۱) افراد بسته به کشورشان پیر تلقی می‌شوند

(۲) ۲۰۰ سال پیش، یک فرد مسن حداکثر ۵۵ ساله بود

(۳) فردی به سن ۴۰ سالگی معمولاً مسن خوانده می‌شود

(۴) افراد در جوامع صنعتی پیشرفته زمانی بین سنین ۶۵ و ۷۰ سال از دنیا می‌روند

۹۲- (۲)

عبارت "retire from" (بازنشسته شدن) در پاراگراف دوم نزدیک‌ترین معنی را به "leave" دارد.

(۱) انجام دادن ترک کردن، کار خود را رها کردن

(۳) انتقال دادن تجربه کردن

۹۳- (۲)

طبق متن، پیر شدن سریع جمعیت

(۱) بیشتر به زنان مربوط است

(۳) در جوامع فقیر رایج است

(۲) در جوامع صنعتی مشاهده می‌شود

(۴) علی‌الخصوص در همه‌ی جوامع غربی مشاهده می‌شود

۹۴- (۳)

کدام جمله طبق متن درست نیست؟

(۱) زنان ممکن است بیشتر از مردان عمر کنند.

(۲) زمانی بین سنین ۶۰ و ۷۰ سالگی بعضی افراد دست از کار می‌کشند.

(۳) جمعیت‌های بسیار جوان در جوامع فقیر در حال کاهش هستند.

(۴) انتظار می‌رود اعضای مرفه جامعه بیشتر از دیگران عمر کنند.

متن بیشتر درباره‌ی است.

۹۵- (۱)

(۱) پیری، سالخورده‌ی (۲) اندازه‌ی جمعیت (۳) انواع مختلف جوامع (۴) تعداد نوزادان در جوامع مختلف

طبق تقویم مدرن غربی، سال به دوازده دوره تقسیم شده است که به عنوان ماه شناخته می‌شوند؛ برخی ۳۱ روز و برخی ۳۰ روز دارند و یکی - (یعنی) فوریه - ۲۸ روز دارد، به غیر از سال‌های کبیسه که ۲۹ روز دارد. با این حال، ماه‌ها همیشه بدین شیوه تقسیم نشده‌اند و همواره در سال دوازده ماه وجود نداشته است.

واژه‌ی «ماه» مرتبط با واژه‌ی «قمر» است، و هنگامی که مردم باستان برای اولین بار تقویم را درست کردند، یک ماه به وسیله‌ی طول زمان یک ماه نو تا ماه نو (بعدی) - چیزی حدود ۲۹/۲۵ روز - برآورد می‌شد. در آن هنگام ماه با رؤیت اولین هلال ماه نو در آسمان در هنگام غروب شروع می‌شد و طول آن نیز ۲۹ یا ۳۰ روز بود. این روش تقویم دقیقی را موجب نمی‌شد و بنابراین این روش کنار گذاشته شد. ماه‌های فعلی ما با تعداد روزهای متفاوتشان، با حرکت هیچ‌کدام از اجرام آسمانی مطابقت ندارند.

گاهی اوقات وقتی مردم واژه‌ی «ماه» را به کار می‌برند، منظورشان هر دوره‌ی ۲۸ روزه است که امکان دارد تا آن‌جا که به تقویم مربوط است به سادگی طی دو ماه مختلف واقع شود. بنابراین، هرگاه تمایز بین دو کاربرد واژه‌ی ماه ضروری باشد، ماه‌هایی که در تقویم نشان داده می‌شوند، اغلب گویای ماه‌های شمسی هستند.



(۴) - ۹۶

کدام جمله طبق متن در مورد ماه درست نیست؟

(۱) روزهای یک ماه از ۲۸ روز تا ۳۱ روز متغیرند.

(۳) سال زمانی به دوازده ماه ۲۹/۲۵ روزه تقسیم می‌شد.

(f) - 9V

طبق متن، طول یک ماه

(۱) در حدود ۲۹/۲۵ روز است

(۳) با طول ماه ارتباط دارد

(۳) - ۹۸

کلمه‌ی “correspond” (مطابقت داشتن) در پاراگراف دوم نزدیک‌ترین معنی را به “relate” دارد.

(۱) توضیح دادن

۲) کشیدن، کش دادن

(۳) مربوط بودن به

(۴) شامل ... بودن، گنجاندن

(1) - 99

وقتی هلال ماه نو هنگام غروب در آسمان دیده می‌شد

(۱) ماه ۳۱ روز طول نمی‌کشد

(۲) این روش کاملاً کنار گذاشته شد

(۳) تقویم دقیقی را موجب نمی‌شد

(۴) ماه‌های ما با حرکات هیچ جرم آسمانی مطابقت نداشت

(۲) - ۱۰۰

نویسنده بر این باور است که ماه‌های شمسی

(۱) دوره‌ای ۲۸ روزه هستند

(۲) ماه‌هایی هستند که در تقویم دیده می‌شوند

(۳) ماه‌هایی هستند که در دو ماه مختلف رخ می‌دهند

(۴) بر مبنای مسیر حرکت بیشتر اجرام آسمانی هستند

This image shows a blank sheet of white paper designed for handwriting practice. It features two vertical columns of horizontal dashed lines. Each column contains ten rows of lines, providing a guide for letter height and placement. The margins are consistent on all sides, and the overall layout is clean and uncluttered.